

A Conceptual and Case Study of "Sexual Abuse of Couples" from the Perspective of Imami Jurisprudence, Customary Law and Afghan Law¹

Mohammad Hadi Nabawi^{*}

Seyyed Ali Alawi Ghazwini^{}**

(Received: 03/03/2021; Accepted: 05/05/2021)

Abstract

The only permissible way to satisfy the sexual desire of men and women in Islam is to get married and start a family. In order to achieve the goal of marriage, a right and obligation has been set for the couple, including *Tamkin* (wife's submission), which is the focus of differences in legal systems. Imami jurisprudence and Afghan law defend *Tamkin* as a legal and legitimate proposition in marital relations. But the customary legal system refers to it as a source of sexual abuse of couples and sexual oppression against women. The different perceptions of these systems have made the relationship between the intended meanings of "couple sexual abuse" *Aam wa Khas Men Wajh* (more general and more specific from a perspective). The subject of this paper is to explain and analyze this concept by looking at the principles and sources of target legal systems. The research is done based on library sources using descriptive-analytical method. As a result, according to other evidences and documents, the necessity of modification in the theory of desire in customary law and the theory of obedience in religious law was proved in order to systematically reduce the jurisprudential problems of women and achieve mutual interaction between target legal systems.

Keywords: Tamkin (Wives's Submission), Customary Law, Sexual Abuse, Consent, Couple.

1. This article is taken from: Mohammad Hadi Nabawi, "A Comparative Study of the Nature, Principles and Legal Effects of Sexual Abuse in Couples' Relationships from the Perspective of Imami Jurisprudence and Customary Law with Emphasis on Afghan Law ", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Ali Alawi Ghazwini, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

* PhD Student in Private Law, Higher Institute of Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author), nabavi_hadi@yahoo.com.

** Associate Professor, Department of Law, University of Tehran, Tehran, Iran, saalavi@ut.ac.ir.

بررسی مفهومی و مصداقی «بدرفتاری جنسی زوجین» از منظر فقه امامیه، حقوق عرفی و حقوق افغانستان

* محمدهادی نبوی

** سید علی علوی قزوینی

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵]

چکیده

تنها راه مجاز ارضای غریزه جنسی زن و مرد در اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده است. برای تأمین هدف ازدواج، حق و تکلیفی برای زوجین از جمله «تمکین» قرار داده شده که کانون اختلاف در نظام‌های حقوقی هدف شده است. فقه امامیه و حقوق افغانستان از تمکین به مثابه گزاره قانونی و مشروع در روابط زوجین دفاع می‌کند. ولی نظام حقوق عرفی از آن به منبع بدرفتاری جنسی زوجین و ستم جنسی علیه زنان یاد می‌کند. دریافت متفاوت این نظام‌ها باعث شده است رابطه عموم و خصوص من وجه در میان معانی مد نظر از «بدرفتاری جنسی زوجین» حاکم شود. موضوع این تحقیق تبیین و تحلیل این مفهوم با نگاه به مبانی و منابع نظام‌های حقوقی هدف است. گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است که با روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است. در نتیجه با توجه به اصل عوض و معوض بودن نفقه و تمکین و دیگر ادله و مستندات، به ضرورت تعدیل در نظریه اشتیاق در حقوق عرفی و نظریه تمکین در حقوق دینی، حکم شده است، تا ضمن کاهش نظام‌مند مشکلات فقهی زنان، تعامل دوسویه نظام‌های حقوقی هدف نیز حاصل شود.

کلیدواژه‌ها: تمکین، حقوق عرفی، بدرفتاری جنسی، رضایت، زوجین.

۱. برگرفته از: محمدهادی نبوی، بررسی تطبیقی ماهیت، مبانی و آثار حقوقی بدرفتاری جنسی در روابط زوجین از منظر فقه امامیه و حقوق عرفی با تأکید بر حقوق افغانستان، رساله دکتری، استاد راهنما: سید علی علوی قزوینی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، مؤسسه عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده

مسئول) nabavi_hadi@yahoo.com

** دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران saalavi@ut.ac.ir

مقدمه

در میان اقسام بدرفتاری با زنان بدرفتاری خانوادگی آن هم از نوع بدرفتاری جنسی بدترین نوع آن است که در صمیمی‌ترین محیط و خصوصی‌ترین موقعیت صورت می‌گیرد. بدرفتاری جنسی زوجین، غیر از بدرفتاری اخلاقی زوجین و غیر از بدرفتاری جنسی غیرزوجین است که بیشتر صبغه کیفری دارد. این تحقیق از وجوه اشتراک و افتراق فقه امامیه، حقوق افغانستان و حقوق عرفی درباره مفهوم و مصداق «بدرفتاری جنسی زوجین» بحث می‌کند. بدرفتاری جنسی از مفاهیم سیال و نسبتاً جدید مفاهیم حقوقی و فقهی با گستره فراوان مفهومی و مصداقی است که در این تحقیق برای نخستین بار از تک‌گزاره‌های پراکنده حقوقی، به عنوانی مستقل و دارای مرزهای مفهومی معین، ارتقا یافته و تعریف نسبتاً کاملی از آن مطرح می‌شود.

در بیان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق باید گفت بدرفتاری جنسی زوجین از مهم‌ترین نقاط تلاقی حقوق الاهی و عرفی است. طرفداران حقوق عرفی از حق تمکین فقهی مرد به طور مشخص انتقاد کرده‌اند و فعالان حقوق زن، آن را مغایر با حقوق زن و امکان تشکیل خانواده برابر می‌دانند. از این رو لازم است عالمان و پژوهشگران مسلمان با تلاش مستمر، تبیین درستی از حقوق خانواده در اسلام مطرح کنند تا ضمن سدّ تهاجم اندیشه‌های سکولاریستی و فمینیستی، تعامل دوسویه میان نظام‌های حقوقی هدف به وجود بیاید. نبود پژوهش کافی در زمینه بدرفتاری جنسی زوجین و فقدان مطالعه تطبیقی درباره آن، ضرورت پرداختن به این موضوع را روشن می‌کند.

در این تحقیق با گردآوری منابع حقوق دینی و حقوق عرفی و بررسی آنها با روش توصیفی تحلیلی به ضرورت تعدیل در نظریه تمکین در حقوق دینی و نظریه رضایت در حقوق عرفی، حکم می‌شود. این بحث هرچند فاقد پیشینه تاریخی و تقنینی در فقه امامیه و حقوق افغانستان نیست، ولی مراجعه به منابع معتبر این دو نظام نشان می‌دهد که تا کنون صرفاً به برخی تک‌گزاره‌های پراکنده این موضوع مثل افضاء و امثال آن پرداخته شده است (حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۱/۲؛ حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

اما بدرفتاری جنسی زوجین در حقوق عرفی، تحولات تاریخی و تقنینی پیچیده را پشت سر گذاشته است. در گذشته تجاوز جنسی زناشویی، نزد بسیاری از جوامع جرم یا کار خطا نبود. فقط تجاوز جنسی خارج از محیط خانواده غیرقانونی بود. با فعالیت‌های فراوان طرفداران حقوق زنان، کشورهای پیشرفته به جرم‌انگاری آن اقدام کردند. مثلاً کشور فرانسه در سال ۱۹۹۴ به موجب قانون ۸۹-۹۴ تجاوز زناشویی را به رسمیت شناخت (Simon, 2001: 20) و امروزه الگوی جوامع حقوق عرفی در حقوق جنسی زوجین بر رضایت آنان استوار است.

مراد از «نظام‌های حقوقی هدف» در این تحقیق، نظام‌های سه‌گانه مندرج در عنوان مقاله است و مراد از «حقوق عرفی» نظام‌های حقوقی غیردینی است که اغلب، حقوق فرانسه و آمریکا مرجع استنادی است. عقد موقت به عنوان یکی از اشکال خانواده در فقه امامیه، خارج از بستر تحقیق جاری بوده، و مرجع علمی در تمام نظام‌های حقوقی و فقهی، قوانین مدون و منابع معتبر آنها است.

۱. مفهوم‌شناسی

برای ترسیم تصویری روشن از مفاهیم دخیل در تحقیق، توضیحی درباره برخی مفاهیم تحقیق ضروری است، هرچند برخی دیگر به عنوان اصل موضوعی، مفروض گرفته می‌شود. مهم‌ترین مفاهیم به‌کاررفته در این تحقیق به شرح ذیل است:

۱.۱. تمکین و اقسام آن

در زبان عرب، برخی تمکین بر شیء را به معنای سلطنت و قدرت یافتن بر آن معنا کرده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۷۷/۲) و در زبان فارسی به معنای مسلط‌گردانیدن کسی بر چیزی است (دهخدا، ۱۳۴۱)، ذیل واژه «تمکین». اما در این نوشتار معنای خاص «تمکین» در نظام خانواده مراد است که معنای لغوی اطاعت و پذیرش در آن نیز وجود دارد، ولی معنای مصطلح حقوقی آن با بیان اقسامش روشن می‌شود.

«تمکین» به معنای اطاعت، قلمرو گسترده‌ای دارد که در این نوشتار به اطاعت زوجین از همدیگر محدود می‌شود. اطاعت زن از شوهر در امور مربوط به کل زندگی را «تمکین عام» و اطاعت او در امور زناشویی را «تمکین خاص» می‌گویند. در تمکین عام، زن ریاست شوهر در محیط خانه و تصمیمات او درباره تربیت فرزندان، اداره مالی و اخلاقی خانواده را می‌پذیرد (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۱۷۳/۱)؛ در تمکین خاص نیز طبق فقه رایج به خواسته‌های مشروع جنسی همسر بدون قید و شرط حتی در صورت فقدان رضایت پاسخ می‌دهد (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱/۶).

۲.۱. مفهوم «بدرفتاری جنسی»

«بدرفتاری جنسی» از اصطلاحات جدید مفاهیم حقوقی و فقهی است که رسیدن به مرزهای دقیق مفهومی‌اش چندان آسان نیست. «بدرفتاری» ضد «خوش‌رفتاری» در نگاه اول معنایش واضح دیده می‌شود، ولی ترسیم چشم‌اندازی کلی، در تعریف بدرفتاری جنسی زوجین مطابق فقه

امامیه و حقوق افغانستان با قیود و شرایط فراوانی است که می‌توان آنها را چنین خلاصه کرد: رفتار، گفتار، نوشتار و پیام الکترونیکی صوتی یا تصویری حامل محتوای جنسی ناخوشایند و در تضاد بالفعل یا بالقوه با دستوره‌های دینی که یکی از زوجین یا هر دو به انجام آن مبادرت ورزیده و با آسیب‌زدن به روابط حسنه زوجین یا جامعه خاص، باعث ضرر مادی یا معنوی مستقیم و غیرمستقیم، آسیب، ناراحتی نامشروع به جسم، شخصیت، روان یا کرامت و احترام طرف مقابل می‌گردد و در نتیجه انسان را از رسیدن به کمال نهایی باز می‌دارد.

در تعریف «بدرفتاری جنسی» بر اساس حقوق عرفی می‌توان نوشت: رفتار، گفتار، نوشتار و پیام الکترونیکی صوتی یا تصویری حامل محتوای جنسی ناخوشایند، که یکی از زوجین یا هر دو به انجام آن بدون رضایت دیگری مبادرت ورزیده و با آسیب‌زدن به روابط حسنه زوجین، باعث ضرر مادی یا معنوی مستقیم و غیرمستقیم، آسیب، ناراحتی نامشروع به جسم، شخصیت، روان یا کرامت و احترام طرف مقابل می‌گردد و از رسیدن به لذت مانع می‌گردد.

این تعریف، نوعی اصل راهنما است و طبیعتاً هر نوع اقدام عملی و تصمیم‌گیری درباره بدرفتاری جنسی زوجین، به تعریف قانون‌گذار هر کشور یا فقهای باصلاحیت بستگی دارد. ولی این به معنای احاله به چک سفیدامضا نیست؛ مثلاً رفتار، گفتار و نوشتار حامل محتوای جنسی، قابلیت حذف از هیچ تعریف و از هیچ نظام حقوقی‌ای را ندارد، چنانچه واژه «زوجین» نیز همین‌گونه است. امید است که این اثر از هر نوع اشتباه حکمی و قانونی جلوگیری کند. برای اطلاع بیشتر از وضعیت مفهومی «بدرفتاری جنسی زوجین» در نظام‌های حقوقی هدف، باید به شرح اقسام آن پرداخت. در تقسیم‌بندی کلی می‌توان اقسام تحلیلی «بدرفتاری جنسی زوجین» را به این شکل بیان کرد:

۱. گفتاری و رفتاری؛ بدرفتاری گفتاری مثل ایلاء وظهار، و رفتاری مثل آمیزش بدون رضایت همسر با ابتلا به بیماری مقاربتی و مسری.

۲. فیزیکی و روانی؛ بدرفتاری فیزیکی مثل تحمیل مقاربت جنسی بدون رضایت، در ایام حیض و نفاس، و بدرفتاری روانی مثل رابطه جنسی سادیسمیک بدنی (انحراف زوج به دیگرآزاری بدنی).

۳. مطلق و نسبی؛ بدرفتاری جنسی مطلق، رفتارهایی که در تمام نظام‌های حقوقی هدف رسمیت دارند، مثل تحمیل رابطه جنسی مضر. اما بدرفتاری جنسی نسبی، ضد آن است، مثل خروج از منزل برای زنان در حقوق دینی.

۴. اخلاقی و حقوقی: بدرفتاری جنسی اخلاقی، شامل هر نوع رفتار جنسی آزارسان مثل نزدیکی در روز فوت بستگان همسر؛ اما بدرفتاری حقوقی ضد آن است.
۵. رسمی و غیررسمی: طیفی از بدرفتاری‌های جنسی رسمی است و قانون‌گذار یا فقها به زشتی آن تصریح می‌کنند، اما گاهی بدرفتاری جنسی غیررسمی است و قانون‌گذار ملی یا فقها به آن نمی‌پردازند، مثل بدرفتاری جنسی نوظهور.
۶. کیفری و مدنی: بدرفتاری جنسی مدنی مثل امتناع زن از تمکین در ایام عده طلاق رجعی و بدرفتاری کیفری مثل نزدیکی در ایام عادت که مجازات پرداخت کفاره دارد.
۷. مستقیم و غیرمستقیم: بدرفتاری جنسی گاهی مثل عدم ازاله منفرات استمتاع آثار نامطلوب مستقیم و فوری دارد؛ و گاهی، مثل ارضای شوهر با مشاهده فیلم پورن، آثار نامطلوب غیرمستقیم دارد.
۸. امری و تکمیلی: بدرفتاری جنسی امری مثل اشتراط اسقاط هر نوع بهره جنسی از زن، که از نظر فقهی نادرست است، اما در بدرفتاری جنسی تکمیلی تراصی برخلاف آن اشکال ندارد، مثل اشتراط اسقاط استمتاع مرد از زن در روزهای چهارشنبه.
۹. بهداشتی و غیربهداشتی: بدرفتاری جنسی ناشی از بهداشت، مثل مقاربت در ایام عادت زنان؛ بدرفتاری ناشی از غیربهداشت، مثل نزدیکی در ایام ماه رمضان برای روزه‌دار.
۱۰. اعتباری و انتزاعی: بدرفتاری جنسی اعتباری مثل نزدیکی زوجین در ایام احرام حج و انتزاعی مثل انتزاع زشتی از رفتار جنسی در کودک‌همسری.
۱۱. بدرفتاری جنسی آگاهانه و غافلانه: بدرفتاری آگاهانه مثل نزدیکی در ایام عادت با علم و اطلاع فاعل و بدرفتاری از روی غفلت و بی احتیاطی، مثل نزدیکی با نشانه‌های مشکوک ابتلا به بیماری مسری بدون استفاده از وسایل حفاظتی نظیر کاندوم.
۱۲. بدرفتاری جنسی ناشی از بیماری و غیر آن: بدرفتاری جنسی ناشی از بیماری مثل نزدیکی با ابتلا به عنن، اما ضد آن مثل رابطه جنسی در ایام عادت ماهیانه زنان.
۱۳. بدرفتاری جنسی ذاتی و عرضی: اکثر بدرفتاری‌های جنسی زوجین ذاتی است، مثل تحمیل تمکین بر زوجه در حقوق عرفی، ولی گاه سبب بدرفتاری جنسی شرط ضمن عقد است، مثل تخلف شوهر از شرط نزدیکی نکردن در روز چهارشنبه.
۱۴. بدرفتاری جنسی ناشی از اختلاف فتاوی فقهی: مثلاً برخی فقها تمکین نکردن زن از آمیزش مقعدی را مصداق نشوز دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۵/۵۰۴). اما طباطبایی یزدی با این فتوا مخالف است (همان).

۱۵. بدرفتاری جنسی ناشی از اختلاف قوانین نظام‌های حقوقی: مثلاً ازدواج و نزدیکی با زنی که به هجده سال کامل نرسیده است، در حقوق فرانسه بدرفتاری جنسی است (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۱۴، ماده ۱۴۴). اما قانون مدنی افغانستان اهلیت برای ازدواج را در مردان هجده سال و در دختران شانزده سال می‌داند (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰، ماده ۷۰).

۱۶. بدرفتاری جنسی ناشی از تابعیت مختلف زوجین: مثل ازدواج و نزدیکی شخص فرانسوی با زن افغان، در حالی که زن شانزده سال خود را کامل کرده است.

این تقسیمات بر اساس تأمل و استقرای شخصی صورت گرفته، و نشان می‌دهد که «بدرفتاری جنسی زوجین» مفهوم چندبعدی و ذومراتبی است که گاه مدنی و کیفری، گاه مدنی و احیاناً اخلاقی است.

۲. گستره مصادیق «بدرفتاری جنسی زوجین» در نظام‌های حقوقی هدف

یکی از کانون‌های اصلی اختلاف نظام‌های حقوقی هدف در حقوق جنسی زوجین، طرز تلقی آنها از «تمکین» است. نظریه‌ها و مدل‌های مطرح شده در این باره متفاوت است. مهم‌ترین آنها دو نظریه مربوط به حقوق دینی و عرفی است. در نظام حقوق عرفی، از جمله تمام ایالت‌های آمریکا، رابطه جنسی بدون اشتیاق زن یا بدون پذیرش آن، بدرفتاری جنسی محسوب می‌شود. رضایت و اراده آزاد زوجین علت محدثه و بقیه اصل نکاح و آثار آن، از جمله رفتارهای جنسی، است. دیوان عالی آمریکا از سال ۱۹۸۱ اجبار همسر به رابطه جنسی را غیرقانونی اعلام کرد و در سال ۱۹۹۳ تمام ایالات آمریکا رابطه جنسی بدون خواسته زن را ممنوع کردند (خضر حیدری، ۱۳۹۸). این رویکرد ناشی از منطق خانواده برابر و مبتنی بر انسان‌محوری، پیامدهای بسیار در عرصه بدرفتاری جنسی زوجین پدید آورد.

تلقی دیگر از تمکین زوجین، کاملاً متفاوت با طرز فکر مذکور بود. بر اساس گفتمان حاکم در میان فقهای امامیه «تمکین» به معنای پاسخ‌دادن بدون قید و شرط زن به خواسته‌های مشروع جنسی همسر است (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱/۶). واداشتن زن به تمکین در این تلقی اشکال ندارد و حقوق‌دانان آن را در برابر «تمکین عام»، «تمکین خاص» می‌نامند (صفایی و امامی، ۱۳۷۱: ۱۷۳/۱). «بدرفتاری جنسی» تعبیر پُرلغزش و کش‌داری است که نسبت عموم و خصوص من وجه میان معانی اصطلاحی آن برقرار است. برای پرهیز از خلط مبحث، در آغاز، مصادیق مشترک نظام‌های حقوقی هدف و سپس افراد اختصاصی هر نظام حقوقی معرفی می‌شود.

۲. ۱. مصادیق مشترک بدرفتاری جنسی در دو نظام حقوق عرفی و دینی

در این بخش فهرست کلی از مصادیق مشترک بدرفتاری جنسی ذکر می‌شود.

۱. واداشتن زوجه به رابطه جنسی بدون رضایت اگر باعث بیماری یا تشدید بیماری، یا کندی در بهبود بیماری شود.

۲. واداشتن زوجه به رابطه جنسی در صورت ابتلای زوج به بیماری مقاربتی و مسری.

۳. یکی از زوجین بدون اطلاع و رضایت دیگری، گفتار یا صدهای مربوط به روابط جنسی زوجین را ضبط و پخش کند؛

۴. یکی از زوجین بدون اطلاع و رضایت دیگری، از تصاویر صمیمی جنسی، عکاسی و آن را پخش کند؛

۵. یکی از زوجین بدون اطلاع و رضایت دیگری، از رفتارهای جنسی یا تصاویر صمیمی جنسی فیلم برداری و آن را پخش کند؛

۶. واداشتن زوجه به رابطه جنسی یا عمل جنسی برخلاف شروط ضمن عقد ازدواج. رفتارهای بعد امکان دارد در فهرست مصادیق مشترک قرار گیرد یا برای بعضی از افراد و در بعضی از حالات این‌گونه باشد.

۷. یکی از زوجین به منظور بهره‌گیری جنسی از حیوانات اقدام به حفظ و نگهداری آنها در منزل کند.

۸. مرد به منظور بهره‌گیری جنسی اقدام به حفظ و نگهداری ماکت‌های زنانه در منزل کند.

۹. شهرت زوجین به رابطه نامشروع جنسی.

۱۰. مشاهده فیلم پورن یا واداشتن شریک زندگی به مشاهده آن.

۲. ۲. مصادیق اختصاصی بدرفتاری جنسی در حقوق دینی

۱. واداشتن زن به رابطه مقعدی بر اساس بعضی از فتاوا (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۰۳/۵).

۲. واداشتن زوجه به رابطه جنسی در ایام حیض و نفاس.

۳. واداشتن زوجه به رابطه جنسی مقعدی در ایام حیض (همان: ۵۰۷/۵، مسئله ۲).

۴. اکتفاکردن زوجین به رابطه مقعدی در حق تمکین (همان: ۵۰۵/۵، مسئله ۴).

۵. امتناع زوجین از انزال در حق تمکین (همان: ۵۰۷/۵، مسئله ۷).

۶. امتناع زوجین از رعایت مقدمات استمتاع در حق تمکین (همان: ۵۸۳/۵، مسئله ۷).

۷. واداشتن زوجه به رابطه جنسی در ماه رمضان یا روزه واجب.
۸. واداشتن زوجه به رابطه جنسی در ایام اعتکاف.
۹. واداشتن زوجه به رابطه جنسی در ایام احرام حج واجب.
۱۰. صدور «ایلاء» از زوج که نوعی بدرفتاری زبانی است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۷/۳۳).
۱۱. صدور «ظهار» از زوج که گونه‌ای از بدرفتاری زبانی است (همان: ۹۶/۳۳).
۱۲. امتناع زن از ازاله منفرات استمتاع که بخشی از تمکین شرعی است.
۱۳. مرتفع نکردن موانع رابطه جنسی مثل روزه مستحبی گرفتن.
۱۴. امتناع زن از آراستگی و خودآرایی که بخشی از تمکین شرعی است.
۱۵. امتناع زن از استمتاع غیر از وطی، در ایام عادت زنانه.
۱۶. امتناع زن از تمکین در ایام عده طلاق رجعی.
۱۷. خروج زن از منزل در صورت منافات داشتن با استمتاع شوهر.
۱۸. مسافرت طولانی مدت یکی از زوجین بدون رضایت طرف مقابل.
۱۹. شوهر یا زن بدون رضایت همسر، علی‌رغم منافات داشتن با حق استمتاع همسر، منزل را ترک کند.
۲۰. امتناع شوهر از حق مضاجعت.
۲۱. امتناع شوهر از حق قسم.
۲۲. اقدام زوجین به بستن در اتاق خواب، یا طرد طرف از بستر، به هنگام وجوب تمکین.
۲۳. تأخیر انداختن زن در درخواست جنسی شوهر (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۴/۲۰).
۲۴. امتناع از نزدیکی با هدف آخرت‌گرایی (همان: ۱۰۶/۲۰).
۲۵. ترک نزدیکی در صورت میل و اشتیاق زن (همان: ۱۰۸/۲۰).
۲۶. کراهت نزدیکی در دوران بارداری بدون وضو (همان: ۵۰۷/۲۱).
۲۷. امتناع از درخواست شوهر در دوران شیردهی (همان: ۴۵۷/۲۱).

۲. ۳. مصادیق اختصاصی بدرفتاری جنسی در حقوق عرفی

۱. واداشتن زن به ختنه یا اقدام شوهر به ختنه زن به منظور افزایش میل جنسی. این اقدام که از آن به «ناقص‌سازی عضو تناسلی زنان» یا «مثله‌کردن جنسی زنان» یاد می‌شود با محکومیت سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی مواجه شده است (www.who.int/reproductivehealth).

۲. واداشتن زوجه به تمکین با ایجاد حالت اضطرار و اقدام متقابل زن علیه شوهر، مثل قطع نفقه زن یا مراجعه زن به دادگاه برای درخواست الزام شوهر به نزدیکی.
۳. اقدام به رابطه یا عمل جنسی در حال خواب یا بیهوشی طرف مقابل.
۴. اقدام به رابطه یا عمل جنسی در حال ناهشیاری طرف مقابل تحت تأثیر الکل یا دارو.
۵. متوقف نکردن رابطه جنسی با از بین رفتن رضایت یکی از طرفین در اثنای رابطه.
۶. اقدام به رابطه یا عمل جنسی، به استناد رضایت در زمان گذشته؛ همچنین اقدام به گونه نوظهور از رفتار جنسی به استناد رضایت از آن در گذشته.
۷. اقدام به رابطه یا عمل جنسی به استناد فقدان مقاومت، سکوت، یا فقدان اعتراض.
۸. اقدام به رابطه یا عمل جنسی، با شک در رضایت طرف مقابل، یا ابهام در آن.

۳. تبلور عینی آموزه‌های حقوق عرفی و دینی

رضایت در روابط جنسی از احکام مهم نظام خانواده در حقوق عرفی است. از نظر آنها، روابط جنسی زمانی از حالت ناخواسته و خشونت‌آمیز بیرون می‌آید که به گفته یکی از نویسندگان غربی دارای شرایط زیر باشد:

۱. شخص شریک در فعالیت‌های جنسی باید از رضایت شخص دیگر برای فعالیت جنسی مطمئن باشد.
۲. اعتراض، مقاومت نکردن و سکوت به معنای رضایت نیست. لذا اعتماد بر ارتباطات غیرکلامی سوءتفاهم‌ساز است.
۳. داشتن رابطه دوستانه یا داشتن رابطه جنسی در گذشته، به معنای رضایت از رفتار جنسی در آینده نیست.
۴. احراز رضایت در طول فعالیت جنسی از اول تا پایان.
۵. رضایت به یک نوع فعالیت جنسی، به معنای رضایت به شکل‌های دیگر آن نیست.
۶. در صورت شک در رضایت داشتن یا نداشتن، فعالیت جنسی تا معلوم شدن رضایت متوقف شود.
۷. رضایت با استفاده از نیروی بدنی، تهدید قانع‌کننده، رفتار ارعاب‌آمیز یا اجبارآمیز، به دست نمی‌آید.
۸. با افراد ناتوان از اعلان رضایت، مثل دیوانه، نباید رابطه جنسی برقرار شود. این افراد، طبق

دسته‌بندی دانشگاه آیووا، عبارت‌اند از: افراد در حال خواب یا بیهوشی، یا محدودشده از نظر جسمی به طور غیرارادی؛ افراد ناتوان در برقراری ارتباط رضایت‌مندانه به دلیل وضعیت روحی یا جسمی؛ اشخاص نابرخوردار از سن قانونی طبق قانون آیووا کد ۷۰۹؛ افراد ناتوان از اعلان رضایت به دلیل تأثیر الکل یا داروهای دیگر (uiowa Opsmanual).

گفتمان «تمکین» در نقطه مقابل گفتمان «اشتیاق» قرار دارد و در عموم حالات فوق ارتباط جنسی زوجین را بی‌اشکال می‌داند. به نظر می‌رسد با رویکرد کاهش روشمند مشکلات فقهی زنان مسلمان و تأکید بر تعامل دوسویه میان نظام‌های حقوقی هدف، امکان دستیابی به گفتمان سوم در میانه این دو گفتمان وجود دارد. ولی قبل از توضیح و اثبات نظریه برگزیده، باید به کاستی‌های دو گفتمان موجود اشاره کرد، تا بعد از توجه به آنها، معلول و مدلل بودن تحقیق جاری آشکارتر شود.

۴. اشکالات واردشده بر یافته‌های حقوق عرفی

اصرار غیرضروری بر آزادی و لذت‌طلبی، تبدیل تکلیف‌محوری به حق‌محوری، تنزل احکام و مقررات خانواده در سطح نوعی قرارداد محض و متکی بر عقل خودبنیاد بشر، باعث شده است همبستگی درون خانواده کاهش یابد، ارضای غریزه جنسی در درون خانواده یا عملی نشود یا حرص و لذت‌طلبی وافر مانع از ارضای طرفین گردد. این عوامل و مانند آن با سرعتی باورنکردنی نهاد خانواده را در جوامع غربی متزلزل کرده، تا جایی که از سال ۱۹۶۴ تا به امروز تقریباً تمام بخش‌های قوانین خانواده در قانون مدنی فرانسه اصلاح و بازبینی شده است (محسنی، ۱۳۹۵: ۴۲). جهت‌گیری غیرمعقول در حمایت بی‌قید و شرط از گفتمان اشتیاق و مبانی آن وضعیت ناگواری را به وجود آورده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: بروز الگوهای نوظهور خانواده در محیط حقوق عرفی مثل ازدواج همجنس‌گرایانه، و رابطه جنسی با حیوان یا حیوان‌خواهی و فروپاشی کامل خانواده از آثار و نتایج گسترش آموزه‌های حقوق عرفی است. ولی از آن مهم‌تر عدول از اصل زرین «تطابق تکوین با تشریح» به بهانه «اصل برابری و مساوات» ضعف اصلی قوانین خانواده در حقوق عرفی است. پشتوانه این ادعا آن است که همان‌گونه که قدرت و قوت بدنی مرد با تأمین نفقه و پرداخت مخارج زندگی تطابق دارد، در بحث تمکین نیز تفاوت غریزه جنسی زنان و مردان باید مد نظر قرار گیرد. تحقیقات مجامع علمی تفاوت کیفی و کمی غریزه جنسی و چگونگی ارضای آن را به اثبات رسانده است. بر اساس گزارش لومان، اکثر مردهای بالغ زیر ۶۰ سال حداقل یک بار در روز به رابطه جنسی فکر می‌کنند، در حالی که این رقم در خانم‌ها به یک‌چهارم کاهش می‌یابد («تفاوت میل به رابطه جنسی در زنان و مردان»، ۱۳۹۵). به گزارش باومایستر، مردها در شروع، اواسط و حتی بعد از گذشت سالیان دراز از

برقراری ارتباط جنسی، بیش از زنان خواستار رابطه جنسی بوده‌اند و حتی در مواقع ممنوعیت رابطه جنسی یا نبود موقعیت آن باز بیش از زنان دنبال رابطه هستند.

به گفته لومان، تقریباً دوسوم آقایان، یعنی ۷۵ درصد آنان، خودارضایی می‌کنند، با اینکه تقریباً نیمی از آنها از این کار احساس گناه دارند. اما زنان تقریباً ۴۰ درصدشان اقدام به خودارضایی می‌کنند. در ادامه گزارش آمده است که زنان راهبه خیلی بهتر از کشیش‌ها به تعهد خود برای دورماندن از رابطه جنسی عمل می‌کنند. بر اساس آمار، ۶۲ درصد از کشیش‌ها به داشتن فعالیت جنسی اقرار کرده‌اند، در حالی که این عدد در میان زنان راهبه به ۴۹ درصد می‌رسد (همان، با کمی تصرف). این گزارش تمایل مردان به فحشا را نیز نشانه تمایل آنان به داشتن رابطه جنسی می‌داند (همان). تجارت سکس یکی از پررونق‌ترین کسب و کارهای دنیای امروز است و کشورهای متعددی آن را قانونی می‌دانند. در این تجارت طرف اصلی و دائمی مردان هستند و برای این کار فوق‌العاده هزینه می‌کنند. با همه شیوع این تجارت گزارشی تاکنون به اثبات نرسیده که زنان به دنبال مردان باشند و برای این کار پول گزاف خرج کنند. این رفتارها در گذشته و حال نشان از آن دارد که گزینه جنسی در مردان قوی‌تر و تحریک‌پذیرتر از زنان بوده و از این حیث آسیب‌پذیرتر و نیازمند حمایت و توجه بیشترند. از این رو نباید با قطعیت، نظریه تمکین را ظالمانه دانست، بلکه باید درباره آن تأمل و احتیاط بیشتری کرد.

۵. اشکالات واردشده بر یافته‌های حقوق دینی

این اشکالات در دو بخش می‌گنجد:

۵.۱. کم‌توجهی به رسالت اصلی فقه

احکام و دستورهای فقهی جنبه طریقت دارد و رسالت اصلی‌اش پرداختن به مسائل جدید پایه‌های تحولات و نیازمندی‌های اجتماع است. بدرفتاری جنسی زوجین با پیشرفت روزافزون صنعت فیلم و فیلم‌های پورن و گسترش آزادی‌های فردی و ارتباطات جمعی، به سوی تنوع پیش رفته و قرن بیستم و بیست‌ویکم شاهد رشد چشمگیر تعداد مرتکبان بدرفتاری‌های جنسی و افزایش خسارت‌های واردشده به قربانیان آن است. محیط‌های وابسته به حقوق عرفی چنانچه در تولید انواع بدرفتاری جنسی زوجین پیش قدم بوده‌اند، در تدوین قوانین متناسب با رخدادهای جدید نیز پیشتانند. حقوق‌دانان آنها از رفت و آمد بدرفتاری جنسی زوجین در دامنه حقوق خصوصی و حقوق جزا

به خوبی آگاه شده و بدرفتاری جنسی از میان دو شخص بیگانه را به میان زوجین کشانده‌اند و به تبع آن در هر دو حوزه ابتکاراتی به خرج داده‌اند. برای تأمین عدالت و سیطره بر انواع بدرفتاری جنسی، بدرفتاری جنسی جزایی را طبقه‌بندی کرده و اصطلاحاتی مثل «آزار جنسی»، «تعرض جنسی»، و «تجاوز جنسی» را ابداع کرده‌اند (تابش، ۱۳۹۹). در قلمرو بدرفتاری جنسی زوجین ضمن پذیرش امکان تجاوز جنسی در محیط خانواده، هر گونه عمل جنسی بدون رضایت را بدرفتاری دانسته‌اند. اما فقه، برخلاف انتظار، صرفاً به تک‌گزاره‌هایی مثل زنا، افضا و ... اکتفا کرده و به طبقه‌بندی جرایم جنسی یا تعیین ملاک مشخصی برای «بدرفتاری جنسی زوجین» نپرداخته است. لذا این نوشتار بر تأسیس باب «بدرفتاری جنسی زوجین» در عقد نکاح تأکید می‌ورزد.

۲.۵. رسمیت یافتن ستم جنسی علیه زنان با نظریه تمکین

فعالان برابری طلب، تمکین مطابق با فقه رایج را از مظاهر تبعیض علیه زنان می‌دانند؛ زیرا در تمکین، زن مدام پاسخ‌گوی نیاز جنسی مرد است و مرد فقط در هر چهار ماه یک بار مکلف به پاسخ‌گویی به نیاز جنسی زن است؛ تمکین، مردسالارانه است، چون بر اطاعت زن از مرد تأکید فوق‌العاده دارد؛ فاقد رضایت، عشق و اشتیاق، و استوار بر زور و اکراه است. در حالی که استفاده از زور و اجبار نوعی بدرفتاری جنسی است. تمکین از آن‌رو که می‌طلبد زن دائماً در اختیار شوهر باشد نوعی حبس خانگی است، و در صورتی که شوهر این حق را کاملاً اعمال کند و مانع خروج زن از منزل شود، زن از بسیاری از کمالات مثل رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی، آموزش، مهارت‌ها، رشد عقلانی و آگاهی‌های لازم از جمله تربیت و رسیدگی به فرزندان و آگاهی‌های دینی، عقب می‌افتد و ضعف همه‌جانبه بر زن از او شخصیتی صد در صد آسیب‌پذیر و وابسته می‌سازد که در صورت طلاق یا فوت شوهر نمی‌تواند زندگی باشرفات و مطابق با وقار انسانی و کرامت داشته باشد، زیرا دستش از ذخیره مالی، هنر و وسیله امرار معاش خالی است و حمایت‌های اجتماعی در عموم کشورهای اسلامی نیز ناچیز است. به باور فعالان حقوق زن، تحت پوشش تمکین، ستم جنسی صورت می‌گیرد که دور از دید عمومی است، و از دادرسی یا محاکمه هم خبری نیست.

۶. نظریه نهایی: رابطه متقابل تمکین با نفقه

اشکالات یافته‌های حقوق دینی و عرفی مطرح شد، ولی به نظر می‌رسد اقتضای مبانی و ادله نظریه

دیگری است. پرسش اصلی این است که با توجه به تساهل مردان در نفقه کامل زنان، آیا در این وضعیت نیز زنان موظف به تمکین اند؟ آیا می‌توان از نظر علمی از فرضیه «اقدام در برابر اقدام»، و «امتناع در مقابل امتناع» دفاع کرد یا خیر؟ به نظر یکی از فقهای معاصر نجف، پاسخ صریح این پرسش در کتاب‌های فقهی نیامده است (بحرالعلوم، ۱۴۱۵: ۲۱۵). در حالی که یکی از فقهای متقدم بر ایشان، متعرض این مسئله شده (آشتیانی، ۱۳۹۰: ۳۵۷/۱) و فقیه دیگر از معاصران ایشان به تفصیل این بحث را تعقیب کرده است (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۳/۴). در چنین وضعیتی طبیعی است که اقوال موجود در مسئله منقح نباشد؛ کسانی مثل حائری رابطه متقابل را نفی کرده‌اند، اما خوانساری مسئله را دارای اشکال می‌داند!

به نظر نگارندگان، رابطه متقابل پشتوانه خوبی دارد و با تکیه بر قواعد عامه، روایات، و ادله دیگر اثبات‌پذیر است.

الف. قاعده عوض و معوض بودن نفقه و تمکین

اگر اصل عوضیت میان نفقه و تمکین اثبات شود، تقابل میان آن دو نیاز به بحث نخواهد داشت. درباره رابطه عوضیت نفقه و تمکین، مشروط بودن و وجوب نفقه به تمکین نزد عموم فقها، این رابطه را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۲۶۰/۷). بالاتر از آن جمعی از فقهای قدیم امامیه و غیرامامیه به معاوضی بودن آن اشاره کرده و بسیاری از فقهای متأخر تقابل نفقه و تمکین را پذیرفته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۰/۵؛ همو، ۱۳۸۷: ۱۱/۶؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۳۰۲/۲). از جمله طباطبایی حائری ضمن پذیرش این رابطه، اجماع بر مسئله را از شهید ثانی نقل می‌کند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۷۸/۱۲) و از آیه ۳۴ سوره نساء که وجه سرپرستی مردان در منزل را ناشی از انفاق مالی آنها می‌داند، نیز این رابطه استظهار می‌شود، چنانچه نجفی به آن اشاره کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۶/۳۱). قرطبی، از علمای عامه، در تفسیرش ذیل این آیه، به عموم علما نسبت داده است که در صورت عاجز شدن مرد از پرداخت نفقه، زن می‌تواند نکاح را فسخ کند. در ادامه، حق فسخ را به مالک و شافعی نیز نسبت می‌دهد (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶۹/۵). از همه اینها صریح‌تر روایت سفیان بن عیینه در کتاب کافی است که مردان در فرض پرداختن نفقه، حق هیچ نوع امر و نهی را در منزل ندارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۶/۱). این روایت بحث‌هایی دارد که در ادامه خواهد آمد. اگر هیچ یک از این مدارک نتوانند به‌تهدایی عوضیت دوسویه نفقه و تمکین را ثابت کنند، از مجموع آنها اطمینان به این حکم حاصل می‌شود و حکم بر اساس اطمینان خواهد بود.

ب. روایت سفیان بن عیینه

این روایت در کتاب‌های متعدد حدیثی با تفاوت‌های بسیار نقل شده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۵۱/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۱/۶؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۸۵/۳) و اصل صدور آن اطمینانی است، خصوصاً که در نقل فقیه و تهذیب آمده است که رسول خدا ﷺ در خطبه‌های خود این حدیث را تکرار می‌فرمود. بنابراین، تصریح سیستانی به ضعف سند کافی، منافاتی با اعتبار آن از طریق استفاضه ندارد (سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۷). از جهت دلالت نیز هرچند شارحان کافی و برخی فقها از آن چیز دیگری فهمیده‌اند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۱/۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۵۴/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۴۰/۴) ولی ظهور آن در تقابل نفقه و تمکین قوی است و به همین دلیل خوانساری در دلالت آن مناقشه نکرده و فقط از طریق تعارض آن را ساقط دانسته است (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۳۴/۴). اما همدلی با مشی علمی خوانساری نیز مشکل است، زیرا ظاهر «و لا تبیت لیلۃ و هو علیها ساخط» این است که زن باید رضایت شوهرش را جلب کند، حتی اگر شوهر مانع از شکایت او در دادگاه به سبب نپرداختن نفقه شود و ...، در حالی که هیچ فقیهی چنین نظری نداده، بلکه التزام به آن تأسیس فقه جدید خواهد بود. پس حکم این روایات را باید حکمی اخلاقی دانست تا منافاتی با دیگر روایات و احکام مسلم فقهی نداشته باشد.

ج. قیاس اولویت

مشهور فقها ضمانت اجرای نپرداختن نفقه را، شکایت زن از شوهر نزد حاکم و تقاضای طلاق از دادگاه دانسته‌اند؛ اگر الزام شوهر از سوی زن به طلاق یا فسخ نکاح به دلیل نپرداختن نفقه جایز باشد، امتناع از تمکین به طریق اولی جایز خواهد بود؛ زیرا تمکین نکردن به مراتب از طلاق و فسخ نکاح سبک‌تر است. از مجموع این شواهد، اطمینان به پیوند دوسویه تمکین و نفقه حاصل می‌شود و به رابطه متقابل حق و تکلیف حکم می‌گردد. اگر شوهر با نشوز زن از تمکین، حق دارد دست از پرداخت نفقه بردارد، متقابلاً زن نیز باید حق داشته باشد با نشوز مرد از نفقه، تمکین نکند و با توجه به ادله پیوند دوسویه تمکین و نفقه، شایسته است اطلاقات ادله تمکین مقید شود؛ ولی سکوت مشهور فقها در این باره و اختلاف نظر در معاوضی یا عبادی بودن کل عقد نکاح، مانع از اظهار نظر صریح می‌شود. در نتیجه درباره وجوب تمکین باید گفت تا زمان ادامه رویه جاری جوامع اسلامی در نپرداختن نفقه کامل به زنان، باید به دو احتیاط واجب عمل کرد. از یک سو بر اساس رابطه متقابل تمکین و نفقه، مرد حق اجبار یا اکراه زن بر تمکین ندارد و نمی‌تواند از ضمانت

اجرای موجود در فقه، نظیر زدن بهره ببرد یا از رفتن او به بیرون از منزل برای مقاصد مشروع منع کند. در مقابل، با توجه به شبهه معاوضی بودن نکاح، احتیاط واجب دیگر این است که زن در همه اینها رضایت شوهر را کسب کند. این برداشت از حقوق جنسی زوجین در میانه مدل حقوق عرفی و الگوی غالب فقهی قرار دارد و نقش کلیدی در تقریب و تعامل دوسویه نظام حقوق عرفی و دینی ایفا می‌کند. برخی از فتاوای فقهی موجود نیز آن را تقویت می‌کند: «در صورت کافی نبودن درآمد شوهر برای نفقه زن، شوهر حق ممانعت از خروج زن از منزل برای طلب معیشت یا فراگیری احکام شرعی را ندارد» (تبریزی، ۱۴۲۷: ۱۹۴/۵)؛ یا در صورت ظلم مرد بر زن، اگر ترک تمکین تنها علاج رفع ظلم باشد، زن می‌تواند بدون حذف نفقه، تمکین نکند (همان: ۱۹۷/۵).

جمع بندی

از توجه به ابعاد گوناگون این موضوع و بررسی استنباطی ادله به دست می‌آید که تأکید بیش از حد حقوق عرفی بر رابطه جنسی عاشقانه و تأکید بیش از حد حقوق دینی بر حق تمکین، واقع‌بینانه نیست؛ زیرا نکاح تنها نهاد مشروع برای ارضای غریزه جنسی در فقه است و افزایش سن و عوامل گوناگون، اشتیاق به آمیزش را کاهش می‌دهد و تن دادن به آن در مواقعی طبق خواست طرف مقابل، برای حفظ مصالح برتر، نظیر حفظ کانون خانواده و نزدیکی زوجین به زندگی همدلانه و ... معقول و پسندیده است.

از سوی دیگر، تأکید بر حق تمکین در هر اوضاع و احوالی، بدون پرداختن نفقه کامل نیز توقع نابجایی است؛ زیرا نگاه واقع‌بینانه و مبتنی بر مبانی دینی اولاً حکم به لزوم رعایت تمکین را فقط در حد متعارف و نه بیش از آن درست می‌داند و ادله و وجوب تمکین، از رفتار جنسی غیرمتعارف از نظر کمی و کیفی انصراف داشته و آنها را در بر نمی‌گیرد. از این‌رو تقاضای تمکین نامتعارف یا ضرری و حرجی، حتی موجب ضمان است. ثانیاً در نظریه نهایی تحقیق معلوم شد که تمکین فقهی از قابلیت دفاع و تعدیل برخوردار است و وجوب تمکین بر زنان در مقابل دریافت نفقه کامل موضوعیت دارد، از آنجا که عرف جوامع، بر نپرداختن نفقه کامل استوار است، رابطه متقابل نفقه و تمکین، جواز تحمیل تمکین را دچار تردید می‌کند.

لذا در روابط زن و شوهر علاوه بر تأکید بر احکام مستحبی و دستورهای اخلاقی، وظایف الزامی حاصل از مواد ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۴، قانون مدنی ایران به عنوان منبع فقه امامیه، ماده ۱۲۲ و بند پنجم ماده ۱۲۴ قانون مدنی و قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان باید تعدیل شود، تا هم

حاکمیت اخلاق در خانواده افزایش یابد و هم تمکین به معنای انضباط اخلاق جنسی برای سلامت خانواده و جامعه لحاظ شود، و از هر گونه رفتار خشونت‌آمیز به حکم آیات و روایات پرهیز گردد. با این نگاه، تفاهم بین دو نظام حقوق دینی و حقوق عرفی بیشتر می‌شود و به فهم مشترک نزدیک‌تر خواهند شد.

منابع

قرآن کریم.

آشتیانی، محمود (۱۳۹۰). کتاب النکاح: تقریرات درس عبدالکریم حائری، بی‌جا: زهیر، چاپ اول.
«تفاوت میل به رابطه جنسی در زنان و مردان» (۱۳۹۵/۱۱/۲۶)، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۸/۴، در:

<https://www.entekhab.ir/fa/news/323471>

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
بحر العلوم، سید علی (۱۴۱۵). بحوث فقهیه: تقریرات بحث‌های حسین حلی، قم: مؤسسه المنار، الطبعة الرابعة.
بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر.

تابش، نهال (۱۳۹۹/۶/۶). «آزار جنسی چیست و چیزهایی که هنوز نمی‌دانیم»، در: بی‌بی‌سی فارسی.

تبریزی، جواد (۱۴۲۷). صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهیدة، چاپ اول.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البتین، الطبعة الاولى.

حسینی، صارم (۱۳۸۸). قانون اساسی و قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
خضر حیدری، فهیمه (۱۳۹۸/۲/۴). «تمکین؛ حق مردانه یا تجاوز قانونی در چارچوب زناشویی؟»، رادیوفردا،
برنامه تابو، در: [https://www.radiofarda.com/a/taboo-e113-over-obedience-in-Muslim-](https://www.radiofarda.com/a/taboo-e113-over-obedience-in-Muslim-family/29770610.html)

[family/29770610.html](https://www.radiofarda.com/a/taboo-e113-over-obedience-in-Muslim-family/29770610.html)

خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه، تهران: مهر.

سیستانی، سید علی (۱۴۱۴). قاعدة لاضرر و لاضرار، قم: دفتر معظم له، چاپ اول.

صفایی، سید حسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۶). مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان، چاپ سیزدهم.

طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، قم: مؤسسه آل‌البتین، چاپ اول.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹). العروة الوثقی (المحشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

طباطبایی، سید علی (۱۴۱۲). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة، بیروت: دار الهادی، الطبعة الاولى.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰). المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامية، تهران: المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف، قم: دفترانتشارات اسلامي، چاپ اول.

فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ اول.

فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: مؤسسة دار الهجرة، چاپ دوم.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.

مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲). شرح الکافی، تهران: المكتبة الاسلامیة، چاپ اول.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: چاپ دوم.

محسنی، الاله (۱۳۹۵). اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه، تهران: خرسندی، چاپ اول.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة السابعة.

وزارت عدلیه افغانستان (۱۳۹۶). قانون منع اذیت و آزار زنان و اطفال افغانستان، در: نشریه رسمی، ش ۱۲۸۰.

Simon, Rita James (2001). *A Comparative Perspective on Major Social Problems*, Lexington Books, 20.

www.who.int/reproductivehealth/publications/fgm/9789241596442/en/ Date of visit :12, 06,

References

The Holy Quran

Ashtiyani, Mahmud. 2011. *Ketab al-Nekah: Taghdirat Dars Abd al-Karim Haeri (Book of Marriage: Lectures by Abd al-Karim Haeri)*, n.p: Zahir, First Edition. [in Arabic]

Bahr al-Olum, Seyyed Ali. 1994. *Bohuth Feghhiyah: Taghdirat Bahth-hay Hoseyn Helli (Jurisprudential Discussions: Transcripts of Hoseyn Helli's Lessons)*, Qom: Al-Menar Institute, Fourth Edition.

Bokhari, Mohammad ibn Ismail. 1980. *Sahih Bokhari*, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]

Dekhoda, Ali Akbar. 1962. *Loghatnameh*, Tehran: Mehr. [in Farsi]

Fayyumi, Ahmad ibn Mohammad. 1994. *Al-Mesbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabir (The Illuminating Light on the Great Explanation)*, Qom: Al-Hejrah House, Second Edition. [in Arabic]

Feyz Kashani, Mohammad Hasan. 1985. *Al-Wafi*, Isfahan: Amir al-Momenin Library, First Edition. [in Arabic]

Ghortobi, Mohammad ibn Ahmad. 1985. *Al-Jame le Ahkam al-Qoran (Collection of the Quranic Rules)*, Tehran: Naser Khosro, First Edition. [in Arabic]

Helli, Jafar ibn Hasan. 1987. *Sharae al-Eslam fi Masael al-Halal wa al-Haram (Canons of Islam on matters of Halal and Haram)*, Qom: Esmailiyan Institute, Second Edition. [in Arabic]

Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1988. *Wasael al-Shiah (The Means of the Shiites)*, Qom: Al al-Bayt Foundation, First Edition. [in Arabic]

Hoseyni, Sarem. 2009. *Ghanun Asasi wa Ghanun Madani Jomhuri Islami Afghanistan (Constitution and Civil Law of the Islamic Republic of Afghanistan)*.

Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1992. *Man la Yahzaroh al-Faghih (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Qom: Islamic Publications Office, Second Edition. [in Arabic]

Khansari, Seyyed Ahmad. 1984. *Jame al-Madarek fi Sharh Mokhtasar al-Nafe*, Qom: Esmailiyan Institute, Second Edition. [in Arabic]

Khezr Heydari, Fahimeh. 2019/04/24. "Tamkin; Hagh Mardaneh ya Tajawoz

- Ghanuni dar Charchub Zanashuyi (Wife's Submission; Male Rights or Legal Rape in the Marital Context?)", Radio Farda, Taboo Program, in: <https://www.radiofarda.com/a/taboo-e113-over-obedience-in-Muslim-family/29770610.html>.
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Tehran: Islamic Books House, Fourth Edition. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Merat al-Oghul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul (Mirror of Intellects in the Explanation of the Narrations of the Prophet's Family)*, Tehran: Islamic Book Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Mazandarani, Mohammad Saleh. 2003. *Sharh al-Kafi*, Tehran: Islamic Press, First Edition. [in Arabic]
- Ministry of Justice of Afghanistan. 2017. *Ghanun Man' Aziyat wa Azar Zanan wa Aftal Afghanistan (Law on Prohibition of Harassment of Afghan Women and Children)*, in: Official Journal, no. 1280. [in Farsi]
- Mohseni, Elaheh. 2016. *Ashkhas wa Khanewadeh dar Ghanun Madani Faranseh (Individuals and Families in French Civil Law)*, Tehran: Khorsandi, First Edition. [in Farsi]
- Najafi, Mohammad Hasan. 1983. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, Seventh Edition. [in Arabic]
- Safayi, Seyyed Hasan; Imami, Asadollah. 2007. *Mokhtasar Hoghugh Khanewadeh (Brief Family Law)*, Tehran: Balance, 13th Edition. [in Farsi]
- Simon, Rita James. 2001. *A Comparative Perspective on Major Social Problems*, Lexington Books, 20.
- Sistani, Seyyed Ali. 1993. *Ghaedeh La Zarar wa La Zerar*, Qom: Ayatollah Sistani Press, First Edition. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1989. *Al-Motalef men al-Mokhtalef bayn Aemmah al-Salaf (Agreed Cases of the Differences between the Past Imams)*, Mashhad: Islamic Research Complex, First Edition. [in Arabic]
- Tabatabayi Haeri, Seyyed Ali ibn Mohammad. 1997. *Riyaz al-Masa'el*, Qom: Al al-Bayt Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Tabatabayi Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem. 1998. *Al-Orwat al-Wothgha (Annotated)*, Qom: Islamic Publishing Office, First Edition. [in Arabic]

بررسی مفهومی و مصداقی «بدرفتاری جنسی زوجین» از ... / ۹۳

Tabatabayi, Seyyed Ali. 1991. *Riyaz al-Masael fi Bayan al-Ahkam be al-Dalael*, Beirut: Al-Hadi Institute, First Edition. [in Arabic]

Tabesh, Nahal. 2020/08/27. "Azar Jensi Chist wa Chiz-hayi ke Hanuz Nemidanim (What is Sexual Harassment and Things We do not yet Know)", in *BBC Persian*. [in Farsi]

Tabrizi, Jawad. 2006. *Serat al-Nejat (The Path to Salvation)*, Qom: Al-Seddighah al-Shahidah Institute, First Edition. [in Arabic]

"Tafawot Meyl be Rabeteh Jensi dar Zanan wa Mardan (Differences in Sexual Desire in Men and Women). 2017/02/14, Accessed Date: 2019/10/26, in: <https://www.entekhab.ir/fa/news/323471>.

Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1967. *Al-Mabsut fi Feghh al-Emamiyah (Detailed in Imami Jurisprudence)*, Tehran: Mortazawi Publication for the Revival of Al-Jafari Works, Third Edition. [in Arabic]

Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1986. *Al-Khelaf (Discrepancy)*, Qom: Islamic Publishing Office, First Edition. [in Arabic]

www.who.int/reproductivehealth/publications/fgm/9789241596442/en/ Date of visit : 12, 06, 2019